

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

PARTIAL AWARD

Case No. 356

Chamber One

پرونده شماره ۳۵۶

شعبه یک ۵۴۳-۳۵۶-۱

حکم شماره

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ ۹۴

جون وارد ملکزاده،

سونیا ملکزاده،

علیرضا ملکزاده،

خواهانها،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	21 JAN 1993
	تاریخ ۱ / ۱۱ / ۱۳۷۱

حکم جزئی

## اول - جریان رسیدگی

۱ - در تاریخ ۲۸ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲] خواهان، جون وارد ملک‌زاده اصالتاً و از طرف فرزندان خود، سونیا ملک‌زاده و علیرضا ملک‌زاده (مجتمعا "خواهانها") دادخواستی علیه جمهوری اسلامی ایران ("ایران" یا "خوانده") ثبت و بابت چند مورد سلب مالکیت ادعایی مبلغ ۱،۵۰۲،۶۹۸/- دلار آمریکا (۱) غرامت مطالبه کرد. اجزاء دعوی خواهانها حسب ادعا در پنج تاریخ مختلف ایجاد شده و به پنج بخش زیر قابل تقسیم است: اول اینکه، خواهانها بابت سلب مالکیت ادعایی از حقوق مالکانه خود در چند قطعه زمین، یک باغ میوه و یک خانه در کرج مطالبه غرامت می‌کنند. خواهانها اظهار می‌دارند که این بخش از دعوی در سال ۱۹۷۹ و هنگامی به وجود آمد که حسب ادعا پاسداران انقلاب و بنیاد مستضعفان املاک مذکور را مصادره کردند. دوم اینکه، خواهانها بابت مصادره ادعایی علایق سهامداری خود در بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران ("بانک توسعه صنعتی") مطالبه غرامت می‌کنند. این بخش از دعوی حسب اظهار در ژوئن ۱۹۷۹ به وجود آمد که حسب ادعا ایران بانک توسعه صنعتی را ملی کرد. سوم اینکه، جون وارد ملک‌زاده از طرف فرزندان خود، سونیا و علیرضا ملک‌زاده ("فرزندان ملک‌زاده") بابت مصادره ادعایی حقوق مالکانه آنها در چند قطعه زمین زراعتی واقع در اصفهان مطالبه غرامت می‌کند. طبق اظهار خواهانها، این بخش از دعوی وقتی به وجود آمد که پس از رویدادهای انقلابی سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹، دولت ایران به یک هیئت هفت نفری متشکل از ماموران دولت در اصفهان اختیار داد تصمیمات لازم درباره مالکیت زمینهای کشاورزی آن منطقه اتخاذ کند و سپس حسب ادعا هیئت مزبور اعلام کرد که

---

(۱) دیوان یاد آور می‌شود که خواهانها در دادخواست اظهار کرده‌اند که ایران اقدامات خود را از طریق دولت ایران و سازمانها، موسسات و واحدهای تحت کنترل آن دولت، از جمله و بدون قید محدودیت، سازمانهای نامبرده زیر انجام داده است: شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی، بنیاد مستضعفان، وزارت صنایع و معادن، پاسداران انقلاب، گروه ملی صنایع فولاد ایران و شرکت ملی فولاد ایران و هیئت هفت نفره اصفهان.

ملک مورد بحث از آن پس متعلق به بنیاد مستضعفان می‌باشد. چهارم اینکه، چون وارد ملک‌زاده از طرف سونیا ملک‌زاده حقوق مالکانه وی را در شرکت نورد شهریار که حسب ادعا در سال ۱۹۷۹ یا ۱۹۸۰ توسط ایران صادره شده، مطالبه می‌کند. پنجم اینکه، چون وارد ملک‌زاده از طرف علیرضا ملک‌زاده بابت صادره ادعایی علائق سهامداری وی در شرکت قند کرمانشاه مطالبه غرامت می‌کند. این آخرین بخش دعوی حسب ادعا در سال ۱۹۷۹ و هنگامی به وجود آمد که حسب ادعا ایران شرکت مزبور را به موجب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران ملی کرد.

۲ - دیوان طبق رویه خود در پرونده‌های مشابه، با استناد به تصمیم دیوان عمومی در پرونده شماره الف - ۱۸، یعنی تصمیم شماره ۳۲ - الف ۱۸ مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] چاپ شده در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251 در تاریخ چهارم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۵ ژوئن ۱۹۸۵] به طرفین اطلاع داد که "صلاحیت رسیدگی به دعاوی دارندگان تابعیت مضاعف ایران و ایالات متحده علیه ایران را در مواردی دارد که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربط یعنی از تاریخ ایجاد ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹]، تابعیت ایالات متحده بوده است". دیوان به خواهانها دستور داد کلیه ادله و مدارکی را که مایلند دیوان در تعیین تابعیت غالب و موثر آنها مورد رسیدگی قرار دهد تا تاریخ دوم مهر ۱۳۶۴ [۲۴ سپتامبر ۱۹۸۵] ثبت نمایند. بهمینگونه، دیوان از خواننده درخواست کرد کلیه ادله و مدارکی را که مایل است دیوان در مورد موضوع تابعیت خواهانها مورد رسیدگی قرار دهد، تا تاریخ سوم دیماه ۱۳۶۴ [۲۴ دسامبر ۱۹۸۵] ثبت نماید.

۳ - خواهانها ادله و مدارک خود را در تاریخ ششم دیماه ۱۳۶۴ [۲۷ دسامبر ۱۹۸۵] ثبت کردند. مهلت خواننده دوبار و تا چهارم مهر ۱۳۶۵ [۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶] تمدید شد. دیوان طی دستور مورخ نهم مهر ۱۳۶۵ [اول اکتبر ۱۹۸۶] خود مهلت خواننده را یکبار دیگر تا پنجم دیماه ۱۳۶۵ [۲۶ دسامبر ۱۹۸۶] تمدید و اعلام کرد که بعد از تاریخ مذکور در مورد صلاحیت خود بر اساس مدارک موجود اتخاذ تصمیم خواهد کرد. دیوان طی

دستور مورخ اول بهمن ماه ۱۳۶۵ [۲۱ ژانویه ۱۹۸۷] خود درخواست بعدی خواننده برای تمدید مهلت را با توجه به تاریخچه شکلی پرونده رد و اعلام کرد که در نظر دارد براساس مدارک موجود شور درباره صلاحیت خود را آغاز نماید، مگر آنکه طرفین به دیوان اطلاع دهند که ادامه مذاکرات حل و فصل، تعویق رسیدگی را ایجاب می‌کند.

۴ - پس از آنکه خواننده در تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۶۸ [۲۱ نوامبر ۱۹۸۹] مدرکی تحت عنوان "لایحه و ادله خواننده در خصوص تابعیت خواهانها" ثبت نمود، دیوان طی دستور مورخ دهم آذر ۱۳۶۸ [اول دسامبر ۱۹۸۹] خود از خواهانها دعوت کرد که تا تاریخ دوم اسفند ۱۳۶۸ [۲۱ فوریه ۱۹۹۰] مدارک معارض خود را همراه با لایحه توجیهی محدود به موضوع تابعیت غالب و موثر خواهانها به ثبت رسانند. طی همان دستور از خواننده نیز دعوت شد که تا تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۲۱ مه ۱۹۹۰] مدارک معارض خود را همراه با لایحه توجیهی درباره همان موضوع به ثبت رساند. خواهانها در تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۶۹ [۱۴ دسامبر ۱۹۹۰] لایحه‌ای تحت عنوان "لایحه معارض خواهانها راجع به تابعیت" و سپس خواننده در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۱ [اول مه ۱۹۹۲] اظهاریه‌ای تحت عنوان "لایحه توجیهی و ادله معارض خواننده راجع به تابعیت خواهانها" به ثبت رساندند.

۵ - در تاریخ ۲۲ تیرماه ۱۳۷۱ [۱۳ ژوئیه ۱۹۹۲] خواهانها اظهاریه‌ای تحت عنوان "تقاضای خواهانها برای تسلیم پاسخ به تاخیر ارسال مدارک خواننده در مورد ملیت خواهانها" به ثبت رساندند. خواهانها در تقاضای خود استدلال می‌کنند که باید به آنها اجازه داده شود به لایحه معارض مورخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۱ [اول مه ۱۹۹۲] خواننده پاسخ دهند، زیرا خواننده در لایحه مزبور ادله جدیدی گنجانده که بالقوه مضر به حال خواهانهاست. به ویژه، خواهانها اظهار می‌کنند که یکی از مدارک مورد استناد ایران توسط شخصی غیر از خواهانها بنحوی تغییر یافته که در پرونده حاضر مستقیماً موثر در مقام است. بنگرید به: بند ۱۶ زیر. خواننده طی نامه‌ای که در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۷۱ [۲۰ ژوئیه ۱۹۹۲] به ثبت رسانده به درخواست خواهانها اعتراض کرد. در آن نامه، خواننده اظهار می‌دارد که لایحه معارض

وی خارج از حد لایحه معارض خواهانها نبوده است. راجع به ادعای خواهانها دایر بر اینکه مدرک تسلیمی تغییر یافته، خوانده اظهار می‌کند که مدرک مزبور در سوابق شرکت صنایع هواپیمایی ایران ("صنایع هواپیمائی") به همین صورت یافت شده است. خواهانها طی نامه مورخ نهم شهریور ۱۳۷۱ [۳۱ اوت ۱۹۹۲] درخواست خود و متعاقباً خوانده طی لایحه مورخ ۱۳ شهریور ۱۳۷۱ [۴ سپتامبر ۱۹۹۲]، اعتراض خود را تکرار نمودند. در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۷۱ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۲] خوانده بدون اجازه دیوان لایحه‌ای حاوی ادله مستند ثبت نمود. طبق اظهار خوانده، آن مدارک نشان می‌دهد که خانم ملکزاده به عنوان یک ایرانی در صنایع هواپیمایی استخدام شده بود و نیز نحوه استخدام ایرانیان و خارجیان در شرکت مزبور متفاوت بوده است.

۶ - قبل از هر چیز، دیوان درباره تقاضای خواهانها تصمیم می‌گیرد. راجع به لایحه معارض مورخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۱ [اول مه ۱۹۹۲] خوانده، دیوان ادله‌ای در لایحه مزبور مشاهده نمی‌کند که نتوان آن را ادله معارض تلقی کرد. به علاوه، دیوان متذکر می‌شود که قبلاً هم به خواهانها و هم به خوانده دو مرتبه فرصت کامل داده شده است که ادله مربوط به تابعیت غالب و موثر خواهانها را ارائه کنند. بنگرید به: بندهای ۲ و ۴ بالا. افزون براین، دیوان خاطر نشان می‌سازد که طبق رویه دادرسی دیوان، خوانده محق است آخرین لایحه معارض را تقدیم دارد. درباره ادعای خواهانها مبنی بر اینکه مدرک امضا شده توسط چون وارد ملکزاده بعد از امضای وی تغییر یافته، دیوان ملاحظه می‌کند که با توجه به تصمیم متخذ در بند ۲۵ زیر، نیازی به نتیجه‌گیری در مورد ادعای خواهانها نیست. به همین دلیل، دیوان نیازی به اتخاذ تصمیم درباره قبول یا رد لایحه غیر مجاز مورخ ۲۲ آبان ۱۳۷۱ [۱۳ نوامبر ۱۹۹۲] خوانده نمی‌بیند. در نتیجه، دیوان لازم نمی‌داند تقاضای خواهانها را اجابت نماید یا به نحو دیگری اجازه دهد که لوایح دیگری درباره موضوع تابعیت غالب و موثر خواهانها ثبت گردد.

دوم - واقعیات و اظهارات

۷ - جون وارد ملکزاده در تاریخ پنجم دی‌ماه ۱۳۲۴ [۲۶ دسامبر ۱۹۴۵] در شهر میفیلد واقع در کنتاکی متولد شد. وی دوران کودکی خود را در شهرستان هیکن در کنتاکی گذراند و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در آنجا به پایان رساند. بین سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ وی در دانشگاه ایالتی ماری در شهر ماری کنتاکی به تحصیل اشتغال داشت و در سال ۱۹۶۴ دانشگاه مزبور را ترک کرد تا در دوره شبانه دانشگاه کنتاکی واقع در شهر لکزینگتن تحصیل کند. در سال ۱۹۶۴ وی در همانجا با شوهر فعلی خود رضا ملکزاده که تبعه ایران است، آشنا شد.

۸ - جون وارد ملکزاده اظهار می‌دارد که در تابستان سال ۱۹۶۶ وی به اتفاق رضا ملکزاده به ایران سفر کرد تا با والدین رضا دیدار کند. وی می‌گوید که طی این سفر، یک شغل موقت در شرکت شیشه قزوین به رضا ملکزاده پیشنهاد شد. طبق اظهار وی، رضا ملکزاده پیشنهاد مزبور را پذیرفت و جون وارد ملکزاده تصمیم گرفت تا پایان مدت شغل مزبور با رضا در ایران اقامت کند. در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۴۵ [۱۱ سپتامبر ۱۹۶۶] جون وارد و رضا ملکزاده طی یک مراسم اسلامی در اصفهان با یکدیگر ازدواج کردند. در آن مراسم، جون وارد ملکزاده به دین اسلام مشرف شد و نام مریم را به عنوان نام اسلامی خود برگزید. مشارالیه‌ها اظهار می‌دارد که این اقدامات را صرفاً به منظور انجام مراسم ازدواج به عمل آورده، لیکن نه از نام مریم استفاده و نه به دین اسلام عمل کرده است. بعد از ازدواج، در تاریخ هجدهم خرداد ۱۳۴۶ [هشتم ژوئن ۱۹۶۷] برای وی شناسنامه ایرانی صادر شد.

۹ - فرزند اول خانواده به نام سونیا ملکزاده در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۶ [اول مه ۱۹۶۷] در تهران متولد شد. جون وارد ملکزاده در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۴۸ [هشتم سپتامبر ۱۹۶۹] تولد این کودک را در کنسولگری ایالات متحده در تهران به ثبت رسانید و

در همان روز نام سونیا ملک‌زاده در گذرنامه امریکایی مادرش ثبت شد. در ماه مه ۱۹۷۸ گذرنامه امریکایی جداگانه به نام سونیا ملک‌زاده صادر گردید. در فاصله ماه مه ۱۹۶۸ و سپتامبر ۱۹۶۹ جون وارد ملک‌زاده به عنوان منشی سرهنگ جیمز اونز، رئیس بخش جی - ۱ در قرارگاه هیئت نظامی ارتش امریکا و گروه مستشاری کمکهای نظامی ایالات متحده ("مستشاری نظامی") کار می‌کرد. جون وارد ملک‌زاده فرمی تحت عنوان "اطلاعیه حکم پرسنلی" تسلیم کرده که در آن، تابعیت وی با شماره ۱ مشخص شده است. در توضیح این مطلب، وی نامه‌ای نیز به تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۶۹ [دهم اوت ۱۹۹۰] از رئیس بخش استخدام و پرورش نیروی کار وزارت نیروی هوایی ایالات متحده تسلیم نموده که حکایت دارد "تابعیت شماره ۱" در فرم پرسنلی فوق‌الذکر بدین معنی است که به تشخیص اداره کارگزینی غیرنظامیان ستادی در نیروی هوایی، کارمند مربوط تبعه ایالات متحده بوده است. در سپتامبر ۱۹۶۹، جون و رضا و سونیا ملک‌زاده به شهر ووبرن در ایالت ماساچوست امریکا نقل مکان کردند و رضا ملک‌زاده در آنجا در یک دوره یکساله فوق لیسانس ثبت نام کرد. جون وارد ملک‌زاده اظهار می‌دارد که شوهرش بعد از فراغت از تحصیل پیشنهاد شغلی از بانک توسعه صنعتی را پذیرفت و لذا آنان در سپتامبر ۱۹۷۰ مجدداً به ایران مراجعت کردند.

۱۰ - علیرضا، فرزند دوم خانم و آقای ملک‌زاده در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۵۰ [۲۰ ژوئن ۱۹۷۱] در تهران متولد شد و جون وارد ملک‌زاده در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۵۲ [۱۴ ژوئن ۱۹۷۳] تولد وی را به کنسولگری ایالات متحده در تهران اطلاع داد. در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۵۲ [۲۱ ژوئن ۱۹۷۳] نام علیرضا ملک‌زاده در گذرنامه امریکایی مادرش ثبت و در ماه مه ۱۹۷۸ گذرنامه امریکایی جداگانه برای وی صادر گردید. از سال ۱۹۷۲ تا سال ۱۹۷۴ جون وارد ملک‌زاده به عنوان منشی امور اداری در صنایع هواپیمایی کار می‌کرد. وی اظهار می‌دارد که برای استخدام در آن شرکت داشتن تابعیت ایرانی شرط نبود و در تایید این اظهار، نامه‌ای به تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۹ [۲۰ اوت ۱۹۹۰] از آقای رونالد ج. بتاور دستیار مشاور حقوقی وزارت امور خارجه ایالات متحده تسلیم کرده است. آقای بتاور

در آن نامه اظهار داشته است که پرونده‌های راجع به دعاوی مربوط به استخدام در صنایع هواپیمایی که در دیوان رسیدگی شده، نشان می‌دهد که تابعیت ایرانی شرط استخدام در شرکت مزبور نبوده است. در سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳، جون وارد ملک‌زاده در دوره راه دور دانشگاه مریلند در تهران به تحصیل اشتغال داشت.

۱۱ - سونیا و علیرضا ملک‌زاده اظهار می‌دارند که در تهران هر دوی آنها ابتدا در کودکستانی که توسط یک خانم آمریکایی اداره می‌شد و سپس در گلستان کودک که حسب اظهار آنها یک مدرسه ابتدایی به سبک آمریکایی بود تحصیل می‌کردند. سونیا ملک‌زاده اظهار می‌کند که وی در سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ در کودکستان و از سال ۱۹۷۲ تا دسامبر ۱۹۷۸ در گلستان کودک به تحصیل اشتغال داشت. علیرضا ملک‌زاده می‌گوید که وی در سال ۱۹۷۶ در کودکستان و در سال ۱۹۷۸ در گلستان کودک ثبت نام کرد.

۱۲ - جون وارد ملک‌زاده اظهار می‌دارد که در طول مدت اقامت خود در ایران وی عمداً می‌کوشید که سبک زندگی و علائق آمریکایی خود را حفظ کند. بهمین گونه سونیا و علیرضا اظهار می‌دارند که شیوه زندگی آنها امریکایی بوده است. خواهانها در تایید اظهارات خود شهادتنامه‌هایی از خانم اوریر وارد، مادر جون وارد ملک‌زاده و آقای فرانک ج. ریزو تسلیم کرده‌اند. هر دو شخص نامبرده اظهار می‌دارند که افراد خانواده ملک‌زاده مانند یک خانواده سنتی آمریکایی می‌زیستند و در خانه به انگلیسی سخن می‌گفتند.

۱۳ - جون وارد ملک‌زاده می‌گوید که در طول مدت اقامت خود در ایران، عضو باشگاه زنان آمریکایی در تهران بود و به علت استخدام در مستشاری نظامی حق داشت عضو باشگاه افسران آمریکایی در تهران شود. به نظر می‌رسد که خواهانها عضو کلیسای فرست پیتیبست در کلینتون کنتاکی بوده‌اند. جون وارد ملک‌زاده در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۳۶ [۱۶ مارس ۱۹۵۸]، سونیا ملک‌زاده در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۵۵ [اول اوت ۱۹۷۶] و علیرضا ملک‌زاده در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۵۷ [۱۴ مارس ۱۹۷۹] به عضویت کلیسای مزبور در



آمدند. خواهانها اظهار می‌دارند که در تمام عمر خود مسیحی بوده و مسیحی مانده‌اند و در مدت اقامت خود در تهران گهگاه در مراسم مذهبی کلیسای کامیونتی [جامعه آمریکائیان] در تهران شرکت می‌کردند.

۱۴ - خواهانها اظهار می‌دارند علاوه بر اینکه از سپتامبر ۱۹۶۹ تا سپتامبر ۱۹۷۰ در ایالات متحده اقامت داشتند، کلیه ماههای تابستان سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۶ و ۱۹۷۸ را در شهر کلینتون با والدین جون وارد ملکزاده گذراندند. جون وارد ملکزاده می‌گوید که در سال ۱۹۷۶ وی و شوهرش تصمیم گرفتند به ایالات متحده نقل مکان کنند و به این منظور، شوهر وی برای جواز اقامت دایم در ایالات متحده درخواست کرد. به نظر می‌رسد که ویزای مزبور (معروف به "کارت سبز") در سال ۱۹۷۷ به نام شوهر مشارالیهها صادر گردید. علاوه بر این، جون وارد ملکزاده می‌گوید که وی نهایت کوشش را به عمل آورد تا قبل از ترک ایران سونیا و علیرضا با جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی ایالات متحده انس بگیرند. خواهانها همچنین اظهار می‌دارند که در سال ۱۹۷۸ خانواده آنها درباره خرید خانه‌ای در ایالات متحده شروع به تحقیق نمود.

۱۵ - خواهانها در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۵۷ [۲۰ دسامبر ۱۹۷۸] ایران را به قصد ایالات متحده ترک کردند و از آن پس دیگر به ایران مراجعت نکردند. آنان ابتدا در شهر کلینتون کنتاکی اقامت گزیدند و سونیا و علیرضا از دسامبر ۱۹۷۸ در دبستان دولتی هیکن کانتی مشغول تحصیل شدند. در تابستان ۱۹۷۹ خانواده ملکزاده به شهر راکویل در ایالت مریلند نقل مکان کرد و جون و رضا ملکزاده در اوت همانسال در آنجا خانه‌ای خریدند. در پاییز ۱۹۷۹ سونیا وارد مدرسه (سیکل اول) متوسطه تیلدن و علیرضا وارد مدرسه ابتدایی فارملند شد. جون وارد ملکزاده اظهار می‌دارد که از سال ۱۹۷۹ به بعد، وی در استخدام دولت ایالات متحده و چند شرکت خصوصی در راکویل بوده است و در تایید این اظهار مدرکی تسلیم نموده که نشان می‌دهد وی به عنوان تحلیلگر بودجه در سازمان غذا و داروی وزارت خدمات بهداشتی و انسانی در راکویل کار می‌کرده است.

۱۶ - خواهانها شهادتنامه‌هایی از جون برالی، معلم کلاس ششم سونیا ملک‌زاده در دبستان هیگمن کانتی و نیز از بٹ فالکنر و نانسی استیونس معلمین کلاس اول و دوم علیرضا در همان دبستان ارائه کرده‌اند. جون برالی اظهار داشته است که سونیا ملک‌زاده انگلیسی را بدون لهجه خارجی صحبت می‌کرد، به سرعت با محیط سازگار شد و بدون هیچ مشکلی پا پبای همکلاسان خود پیش می‌رفت. طبق اظهار بٹ فالکنر و نانسی استیونس، تسلط علیرضا در محاوره انگلیسی خوب بود و وی با سایر بچه‌ها بخوبی آمیزش داشت. هر سه معلم اظهار می‌دارند که فرزندان ملک‌زاده به علت تربیت توسط مادر امریکایی خود، به آسانی قادر به سازگاری با محیط بودند.

۱۷ - ایران اولاً استدلالت می‌کند که جون وارد ملک‌زاده تابعیت امریکایی خود را از دست داده است. ایران با استناد به قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده اظهار می‌دارد که جون وارد ملک‌زاده به علت کسب تابعیت ایرانی و وابستگی به ایران تابعیت امریکایی خود را ترک کرده است. ثانیاً ایران اظهار می‌دارد که حتی اگر تابعیت امریکایی جون وارد ملک‌زاده معتبر شناخته شود، وی ثابت نکرده است که طی دوره ذیربطه تابعیت غالب و موثر وی تابعیت ایالات متحده بوده است.

۱۸ - ایران شهادتنامه‌هایی از آقایان علی زیرک نژاد، محمد فیاض و علی محمد هومن همکاران سابق آقای ملک‌زاده در بانک توسعه صنعتی تسلیم نموده است. آنان اظهار می‌دارند که افراد خانواده ملک‌زاده به فارسی سخن می‌گفتند و آداب و سنن ایرانی را رعایت می‌نمودند. آقایان زیرک نژاد و هومن می‌گویند که خانواده آقای ملک زاده با خانواده‌های ایرانی معاشرت داشت.

۱۹ - ایران اظهار می‌دارد که اگر ادعاهای خواهانها مبنی بر خرید مستغلات در کرج صحیح دانسته شود، نتیجه‌ای که به دست می‌آید اینست که جون وارد ملک‌زاده در موقع انجام معامله ناچار بوده خود را ایرانی معرفی کند. علاوه بر این، ایران استدلال

می‌کند که چون وارد ملک‌زاده برای استخدام در مستشاری نظامی و صنایع هواپیمایی از تابعیت ایرانی خود استفاده کرده و در تایید آن اظهار، می‌گوید که خواهان از وزارت کار ایران پروانه کار مخصوص اتباع بیگانه نگرفته و مستشاری نظامی و صنایع هواپیمایی از لحاظ رویه استخدامی خود، با وی به عنوان یک ایرانی رفتار کرده‌اند. ایران تقاضای استخدام چون وارد ملک‌زاده در صنایع هواپیمایی را تسلیم کرده است. در آن تقاضا نامه، در چهارخانه تحت عنوان "تابعیت"، کلمه "امریکایی" خط خورده و به جای آن کلمه "ایرانی" نوشته شده است. ایران همچنین فرمی به نام "شرح احوال شخصی کارمندان ایرانی"، مورخ ۱۳ خرداد ۱۳۵۱ [سوم ژوئن ۱۹۷۲] و یک گواهی از صنایع هواپیمایی تسلیم نموده که در آن اظهار شده است که استخدام خانم ملک‌زاده از تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۵۱ [۱۲ اوت ۱۹۷۲] به تصویب نیروی هوایی ایران رسیده بود. مضافاً ایران یادداشتی از صنایع هواپیمایی تسلیم کرده که از آن چنین بر می‌آید که حقوق خانم ملک‌زاده به ریال پرداخت می‌شده است.

۲۰ - ایران استدلال می‌کند که چون وارد ملک‌زاده حق ندارد از طرف فرزندان خود در این دیوان اقامه دعوی کند و اظهار می‌دارد که طبق قانون مدنی ایران، پدر بچه‌ها، رضا ملک‌زاده، ولی قهری فرزندان است و فقط او حق دارد از جانب فرزندان خویش اقامه دعوی کند.

۲۱ - علاوه بر این، ایران اظهار می‌دارد که در هر حال دیوان نسبت به دعاوی فرزندان ملک‌زاده صلاحیت ندارد، زیرا سونیا و علیرضا به علت اینکه در ایران تولد یافته و از پدر ایرانی به وجود آمده‌اند، ایرانی هستند. ایران مضافاً اظهار می‌دارد که فرزندان ملک‌زاده تحت تاثیر فرهنگ ایرانی بوده‌اند و تا دسامبر ۱۹۷۸ که به علت رویدادهای انقلاب از ایران عزیمت کردند، در کودکستان و دبستان ایرانی درس خوانده‌اند. ایران اظهار می‌دارد که قبل از پایان دوره ذریبطه تابعیت آمریکایی سونیا و علیرضا ملک‌زاده صرفاً تابعیتی بالقوه بوده، زیرا آنان پس از رسیدن به سن قانونی می‌توانستند تابعیت

مزبور را ترک کنند. ایران استدلال می‌کند که سونیا و علیرضا ملک‌زاده در فاصله زمانی کوتاه بین ترک ایران تا پایان دوره ذریبط نمی‌توانستند در جامعه امریکا جذب شوند. ایران استدلال خود را با این اظهار خاتمه می‌دهد که بر پایه مقدمات فوق، مفاد بند ۱ ماده دو و بند ۱ (الف) ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی و تصمیم دیوان عمومی در پرونده شماره الف - ۱۸ در مورد سونیا و علیرضا ملک‌زاده مصداق ندارند.

### سوم - اسباب موجه حکم

۲۲ - دیوان برای آنکه تشخیص دهد آیا خواهانها اهلیت اقامه دعوی نزد این دیوان دارند یا خیر، باید احراز نماید که آیا خواهانها طی دوره واقع بین تاریخ بروز ادعاها و ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] یعنی تاریخ نفاذ بیانیه حل و فصل دعاوی، تبعه ایران بوده‌اند یا تبعه ایالات متحده و یا تبعه هر دو کشور. در صورتیکه معلوم شود خواهانها تبعه هر دو کشور ایران و ایالات متحده بوده‌اند، دیوان باید تابعیت غالب و موثر آنها را در طول دوره مذکور تعیین نماید. دیوان ابتدا خاطر نشان می‌نماید که پرونده حاضر در واقع مشتمل بر پنج ادعاست. بنگردید: بند ۱ بالا. دیوان از لحاظ تشخیص تابعیت غالب و موثر خواهانها فرض می‌کند که اولین ادعای خواهانها در زمانی در سال ۱۹۷۹ ایجاد شده است و تاکید می‌نماید که با این فرض، که فقط به منظور تشخیص تابعیت غالب و موثر خواهانها انجام شده، دیوان راجع به این موضوع پیشداوری نمی‌کند که از لحاظ تصمیم‌گیری درباره بقیه موضوعات پرونده، آیا ادعاها واقعا قبل از ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] ایجاد شده‌اند یا بعد از آن تاریخ. راجع به مساله مذکور و سایر موضوعات مربوط به صلاحیت، دیوان در هنگام بررسی مسایل ماهوی پرونده تصمیم خواهد گرفت.

۲۳ - دیوان ملاحظه می‌کند که بحثی در این نیست که چون وارد ملک‌زاده به سبب ازدواج با یک ایرانی به تابعیت ایران درآمد و نیز اینکه سونیا و علیرضا به علت اینکه پدرشان ایرانی است، اتباع ایران هستند. دیوان همچنین متقاعد شده است که خواهانها به

دلالت گواهی تولدشان، از بدو تولد اتباع ایالات متحده بوده‌اند. خواهانها همچنین فتوکپی صفحات مربوط از گذرنامه‌های آمریکایی خانم ملکزاده، صادره در تاریخهای ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۵، ۳۱ خرداد ۱۳۵۲ و ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۲ مه ۱۹۶۶، ۲۱ ژوئن ۱۹۷۳ و ۱۰ مه ۱۹۷۸] و نیز فتوکپی صفحات مربوط از گذرنامه‌های سونیا و علیرضا، صادره در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۸ مه ۱۹۷۸] را تسلیم کرده‌اند. دیوان استدلال ایران را یادآور می‌شود که چون وارد ملکزاده تابعیت آمریکایی خود را ترک نموده و تابعیت آمریکایی سونیا و علیرضا ملکزاده بالقوه بوده است، نه واقعی. لیکن در سوابق پرونده دلیلی وجود ندارد بر اینکه تابعیت آمریکایی خواهانها هیچگاه توسط یک دادگاه صالح ایالات متحده لغو شده‌باشد و نیز مدرکی وجود ندارد که نشان دهد خواهانها تابعیت آمریکایی خود را ترک کرده یا به نحوی از دست داده باشند. در نتیجه، دیوان نظر می‌دهد که طی دوره ذیربطه خواهانها تابعیت هر دو کشور ایران و ایالات متحده را داشته‌اند.

۲۴ - اکنون که احراز گردید خواهانها طی دوره ذیربطه تبعه هر دو کشور ایران و ایالات متحده بوده‌اند، دیوان اقدام به تعیین تابعیت غالب و موثر آنها در دوره مذکور می‌نماید. بدین منظور، دیوان باید کشوری را تعیین کند که خواهانها پیوندهای محکمتری با آن داشته‌اند. دیوان باید کلیه عوامل ذیربطه از قبیل اقامتگاه عادی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی اجتماعی و سایر ادله وابستگی خواهانها را در نظر گیرد. بنگرید به: صفحه ۲۰ پرونده شماره الف - ۱۸، مذکور در بند ۲ بالا، 5 Iran-U.S. C.T.R. 265. در عین حال که صلاحیت دیوان منوط به تابعیت غالب و موثر خواهانها در طول دوره ذیربطه از تاریخ بروز ادعا تا ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد، واقعیات و رویدادهای مقدم بر دوره ذیربطه در تعیین تابعیت غالب و موثر خواهانها در طول دوره مذکور دخیل است. بنگرید به: بند ۱۴ قراراعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ آی تی ال، مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸] در پرونده رضا سعید مالک و دولت جمهوری اسلامی ایران، که در 19 Iran-U.S. C.T.R. 51 چاپ شده است.

۲۵ - جون وارد ملکزاده اصلاً تبعه ایالات متحده است. وی تا بیست سالگی، یعنی از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۶ در آن کشور زیسته و پس از آن، از سال ۱۹۶۶ تا سپتامبر ۱۹۶۹ و از سپتامبر ۱۹۷۰ تا دسامبر ۱۹۷۸ در ایران و از سپتامبر ۱۹۶۹ تا سپتامبر ۱۹۷۰ و از دسامبر ۱۹۷۸ تا سال ۱۹۸۱ در ایالات متحده اقامت داشته‌است. بدینسان، جون وارد ملکزاده بین سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۸۱ به مدت ۲۴ سال در ایالات متحده و حدوداً ۱۱ سال در ایران سکونت داشته‌است. نظر بمراتب فوق، موضوع ذیربط در پرونده حاضر اینست که مشخص شود آیا سایر ادله راجع به نحوه زندگی جون وارد ملکزاده این واقعیت را تحت الشعاع قرار می‌دهد که وی دو برابر مدت اقامت خود در ایران، در ایالات متحده زیسته است.

۲۶ - بنابراین، دیوان توجه خود را به بررسی سایر ادله معطوف و بدواً خاطر نشان می‌سازد که جون وارد ملکزاده پس از عزیمت به ایران سبک امریکایی زندگی خود را حفظ کرد و شیوه زندگی ایرانی برنگزید. به نظر می‌رسد که وی در خانه خود آداب و سنن آمریکایی را حفظ می‌نمود و با فرزندان خود به انگلیسی سخن می‌گفت. همچنین به نظر می‌آید که واقع امر همین است هر چند که مشارالیه‌ها می‌توانست به زبان فارسی نیز صحبت کند و با ایرانیان تا حدودی روابط اجتماعی داشت و نیز برخی آداب و سنن ایرانی را رعایت می‌کرد. دیوان دلیلی حاکی از این امر نمی‌بیند که جون وارد ملکزاده کاملاً و عمداً در جامعه ایران جذب شده بود یا قصد داشت بطور دایم در ایران زندگی کند. در خصوص شهادتنامه‌های همکاران سابق آقای ملکزاده، بنگرید به: بند ۱۸ بالا، دیوان خاطر نشان می‌سازد که شهادتنامه‌های مزبور مختصر بوده، حاوی اطلاعات چندانی نیستند جز این نتیجه‌گیری که افراد خانواده ملکزاده فارسی صحبت می‌کردند و آداب و سنن ایرانی را رعایت می‌نمودند. به عنوان مثال، دیوان متذکر می‌شود که در هیچیک از این شهادتنامه‌ها اظهار نشده است که خود شهود با فامیل ملکزاده روابط خانوادگی یا نوعی روابط نزدیک داشته‌اند. راجع به استخدام جون وارد ملکزاده در مستشاری نظامی، دیوان ملاحظه می‌کند که وی ادله‌ای تسلیم نموده که نشان می‌دهد نامبرده طی آن دوره، از

تابعیت آمریکایی خود استفاده کرده است. بنگرید به: بند ۹ بالا. در مورد استدلال ایران مبنی بر اینکه جون وارد ملکزاده پروانه کار نداشت، به نظر دیوان این امر به تنهایی ثابت نمی‌کند که وی در مدت استخدام در مستشاری نظامی از تابعیت ایرانی خود استفاده کرده یا اینکه مستشاری نظامی مکلف به تحصیل چنین پروانه‌هایی بوده است. برعکس، ادله موجود نشان می‌دهد که تابعیت آمریکایی نامبرده دلیل اقوی برای استخدام وی در مستشاری نظامی بوده است. دیوان ملاحظه می‌نماید که راجع به اینکه آیا جون وارد ملکزاده برای استخدام در صنایع هواپیمایی از تابعیت ایرانی خود استفاده کرده یا خیر، بین طرفین اختلاف نظر وجود دارد. بنگرید به بندهای ۵، ۱۰ و ۱۹ بالا. دیوان نیازی نمی‌بیند که راجع به این موضوع تصمیم بگیرد. حتی اگر دیوان نظر می‌داد که تقاضا نامه جون وارد ملکزاده برای استخدام در صنایع هواپیمایی موید آنست که وی در آن دوره محدود از تابعیت ایرانی خود استفاده کرده، این دلیل به تنهایی یا توأم با ادله دیگر کافی نیست که سایر ادله حاکی از علاقه و وابستگی واقعی خانم ملکزاده به ایالات متحده را تحت الشعاع قرار دهد. (۲)

۲۷ - اینک دیوان به بررسی این استدلال ایران می‌پردازد که جون وارد ملک زاده به عنوان یک ایرانی در ایران مستغلات خریده است. ایران اظهار می‌دارد که اگر ادعای جون وارد ملکزاده دایر بر خرید مستغلات صحیح باشد، وی مسلماً در هنگام انجام معامله خود را ایرانی معرفی کرده بوده است. دیوان خاطر نشان می‌سازد که این مساله که آیا جون وارد ملکزاده تابعیت آمریکایی خود را پنهان نمود تا در تحصیل حقوق مالکانه مورد بحث از مزایای مختص اتباع ایران استفاده کند، تا آنجا که به ماهیت دعوی

---

(۲) بنگرید به: بند ۲۸ حکم جزئی شماره ۱-۲۷۴-۵۳۳، مورخ دهم تیرماه ۱۳۷۱ [اول ژوئیه ۱۹۹۲] در پرونده یتی لورا منعمی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R....

مربوط است، می‌تواند موثر در مقام باشد(۳). بنابراین دیوان صرفاً نتیجه می‌گیرد که این موضوع که در لوایح طرفین به تفصیل مورد بحث قرار نگرفته، بخشی از ماهیت پرونده حاضر را تشکیل می‌دهد و در این مرحله از رسیدگی قابل بررسی نیست(۴).

۲۸ - با توجه به مجموع ادله موجود، به نظر دیوان وابستگی جون وارد ملک‌زاده به ایالات متحده تحت الشعاع وابستگی او به ایران قرار نگرفته است. در نتیجه، دیوان نظر می‌دهد که در طول دوره ذیربطه تابعیت غالب و موثر جون وارد ملک‌زاده تابعیت ایالات متحده بوده است.

۲۹ - اینک دیوان مبادرت به تعیین تابعیت غالب و موثر فرزندان خانواده ملک‌زاده می‌کند. (۵) دیوان خاطر نشان می‌سازد که فرزندان مذکور از مادری اصلاً

---

(۳) بنگرید به صفحه ۲۰ پرونده شماره الف - ۱۸، مذکور در بند ۲ بالا، 5 Iran-U.S. C.T.R 265-66 که در آن، دیوان عمومی اخطار زیر را به نتیجه‌گیری خود افزود: "در پرونده‌هایی که دیوان بر اساس تابعیت غالب و موثر خواهان به صلاحیت خود رای می‌دهد، تابعیت دیگر خواهان می‌تواند از لحاظ ماهیت دعوی همچنان ذیربط و معتبر بماند."

(۴) بنگرید به: بند ۴۱ قراراعدادی شماره ۸-۴۸۵-آی تی ال، مورخ ۲۰ خردادماه ۱۳۷۱ [دهم ژوئن ۱۹۹۲] صادره در پرونده فردریکا لینکلن ریاحی و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R....

(۵) رویه دیوان همواره چنین بوده است که تابعیت خواهان صغیر را جداگانه مورد بررسی قرار دهد نه اینکه فرض کند وی همان تابعیت ولی یا والدین خود را دارد. بنگرید به: بند ۳۱ و زیرنویس ۳ حکم پرونده بتی لورا منعمی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، مذکور در زیرنویس ۲ بالا، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. - و بند ۳۷ حکم شماره ۴۶۵-۲ و ۴۶۴ و ۴۶۳ و ۴۶۲، ۵-۴۶۱-۵ مورخ ۱۵ بهمن ۱۳۶۹ [چهارم فوریه ۱۹۹۱] در پرونده اردوان بیتر سمراد و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 26 Iran-U.S. C.T.R. 44,56 و بندهای ۱-۱۵ حکم شماره ۲-۳۸۳-۴۷۷ مورخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ [۱۶ مه ۱۹۹۰] در



امریکایی و پدری ایرانی زاده شدند و محل تولد هر دوی آنان ایران بوده است. به نظر دیوان چنین می‌رسد که فرزندان ملک‌زاده قبل از آنکه دعوایشان در زمانی در سال ۱۹۷۹ ایجاد شود، قسمت اعظم عمر خود را در ایران گذرانده بودند. راجع به زندگی آنها در ایران، به نظر دیوان با آنکه آنها در خانه به انگلیسی سخن می‌گفتند و ظاهراً در دبستانی در تهران درس می‌خواندند که به سبک آمریکایی اداره می‌شد، این امر به تنهایی در تعیین تابعیت غالب و موثر آنها اهمیت فوق‌العاده پیدا نمی‌کند. دیوان مضافاً خاطر نشان می‌سازد که فرزندان ملک‌زاده در ایران نه تنها با مادرشان بلکه با پدرشان نیز که اصلاً ایرانی بود زندگی می‌کردند و تقریباً در تمام مدت عمرشان پیش از دوره ذیربطه محل سکونت و مرکز علایق آنها ایران بود. استنباط دیوان اینست که گرچه فرزندان ملک‌زاده از طریق مادرشان در معرض نفوذ فرهنگ آمریکایی قرار داشتند، اقامتشان در ایالات متحده در فاصله دسامبر ۱۹۷۸ تا ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژوئن ۱۹۸۱] کوتاهتر از آن بود که آنان بتوانند کاملاً با جامعه آمریکا خو بگیرند. به نظر دیوان حقیقت امر همین است، حتی اگر فرزندان ملک‌زاده با دبستانهای خود در ایالات متحده سریعاً سازگاری یافته باشند.

۳۰ - با توجه به مراتب فوق، به نظر دیوان در طول دوره ذیربطه پیوندهای فرزندان ملک‌زاده با ایران، بیش از وابستگی آنها به ایالات متحده بوده است. در نتیجه، دیوان چنین تشخیص می‌دهد که تابعیت غالب و موثر فرزندان ملک‌زاده طی دوره ذیربطه،

---

پرونده ریموند عبود، به عنوان ولی قهری کریسلین آریان عبود و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 24 Iran-U.S. C.T.R. 265,267-69 و بند ۱۸ حکم شماره ۳-۸۳۱-۴۲۷ مورخ نهم تیرماه ۱۳۶۸ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۹]، در پرونده آنتیا بری روحانی و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 22 Iran-U.S. C.T.R. 194,199

تابعیت آمریکایی نبوده است. با توجه به این نظر، نیازی به اخذ تصمیم در این مورد نیست که آیا جون وارد ملکزاده حق اقامه دعوی از طرف فرزندان خود نزد این دیوان دارد یا خیر(۶).

۳۱ - رسیدگیهای بعدی در پرونده حاضر مشمول اخطاری است که هیئت عمومی دیوان در صفحه ۲۰ تصمیم متخذه در پرونده شماره الف - ۱۸، مذکور در بند ۲ بالا (5 Iran-U.S. C.T.R. 265-66) افزوده است، مبنی بر اینکه "در پرونده‌هایی که دیوان بر اساس تابعیت غالب و موثر خواهان به صلاحیت خود رای می‌دهد، تابعیت دیگر خواهان می‌تواند از لحاظ ماهیت دعوی همچنان ذریبط و معتبر بماند."

#### چهارم - حکم

۳۲ - به دلایل پیشگفته،

دیوان چنین تصمیم می‌گیرد:

(الف) ادعاهای خواهانها، سونیا و علیرضا ملکزاده، به دلیل فقد صلاحیت، طبق مفاد بند ۱ ماده دو و بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی رد می‌شوند.

(ب) خواهان، جون وارد ملکزاده، طبق بند ۱ ماده دو و بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، برای اقامه دعوی نزد این دیوان اهلیت دارد.

---

(۶) بنگنید به: بند ۳۲ حکم جزیی پرونده بتی لورا منعمی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، مذکور در زیر نویس ۲ بالا، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R.... و بند ۴ حکم پرونده اردوان بتر سمراد و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران، مذکور در زیرنویس ۵ بالا، چاپ شده در 26 Iran-U.S. C.T.R. 44,46

(ج) بقیه موضوعات صلاحیتی به ماهیت دعوی منضم می‌شوند.

لاسه بتاريخ ۱ بهمن ۱۳۷۱ برابر با ۲۱ ژانویه ۱۹۹۳



بنکت برومیس

رئیس شعبه یک



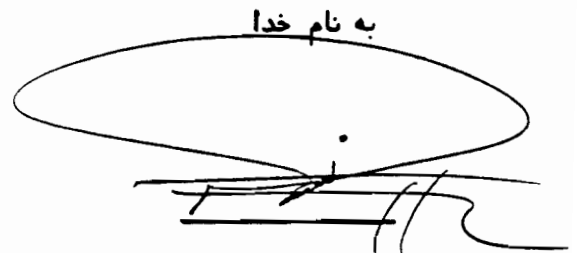
هوارد ام. هولتزمن

موافق با بخشی و

و مخالف با بخشی دیگر از حکم.

بنگرید به: نظر جداگانه

به نام خدا



اسداله نوری

اینجانب معتقدم که دیوان داوری اساساً، نه بر طبق بیانیه حل و فصل دعاوی صلاحیت رسیدگی به دعاوی ایرانیان دارای تابعیت مضاعف آمریکایی را دارد و نه بر طبق اصول پذیرفته شده حقوق بین‌الملل، بالخصوص

اصل تساوی حاکمیتها که اصل حقا" قابل اعمال درباره دعای اتباع دارای تابعیت مضاعف است. اقدام اکثریت اعضای دیوان عمومی در تصمیم صادره در پرونده الف / ۱۸ در تشبث به تئوری تابعیت غالب و موثر تا آنجا که به بیانیه‌های الجزایر مربوط می‌شود در حکم نادیده گرفتن نص و روح این بیانیه‌ها، و تا آنجا که با اصول حقوق بین‌الملل، بالاخص اصل تساوی دول حاکم، ارتباط می‌یابد به منزله زیرپا گذاردن اصول اساسی حقوق بین‌الملل می‌باشد. به نظر اینجانب، همانگونه که داوران ایرانی در نظر مخالف خود در پرونده الف / ۱۸ (منتشره در 5 Iran-U.S. C.T.R. pp. 275-337) بیان داشته‌اند، دیوان داوری به صرف مواجهه با تابعیت ایرانی این خواهانها و احراز آن باید تصمیم به عدم صلاحیت خود گرفته از هرگونه رسیدگی بعدی اجتناب نماید.

علاوه بر ملاحظات فوق‌الذکر، اینجانب با تصمیم اکثریت حاضر در ارتباط با غالب و موثر شناختن تابعیت آمریکایی خانم ملکزاده مخالف هستم. در این پرونده خانم ملکزاده قبل از ازدواج با آقای ملکزاده که پس از پایان تحصیلات

دانشگاهی قصد مراجعت دایم به وطن را نموده بود، به ایران سفر کرد و با عزم راسخ به اقامت دایم در ایران با همسر ایرانی‌اش ازدواج کرد. علیرغم کوشش اکثریت برای جلوه دادن گرایش‌های مذهبی مسیحی خواهان و علایق ادعایی و اثبات نشده وی به سنن و فرهنگ آمریکایی، مدارک پرونده به خوبی نشان می‌دهد و اکثریت نیز به طور پراکنده این واقعیت را در حکم خود منعکس کرده است (بندهای ۹ - ۸) که خانم ملک‌زاده منحصرًا طی مراسم سنتی ایرانی و اسلامی به نکاح آقای ملک‌زاده در آمده بود. نامبرده نه تنها هرگز ازدواجش را نزد کنسولگری ایالات متحده در ایران به ثبت نرساند، بلکه تا فراهم شدن فرصت همراهی همسر برای مأموریت آموزشی به ایالات متحده، تولد فرزند خود را (آنها به منظور استفاده از تسهیلات مسافرتی) به کنسولگری ایالات متحده گزارش نکرد. خانم ملک‌زاده از سال ۱۹۶۶ تا قبل از همراهی همسر در سپتامبر ۱۹۶۹ نیز هیچ مسافرتی به ایالات متحده ننموده بود و تا دسامبر ۱۹۷۸ فقط چند سفر کوتاه برای دیدار از والدین خود به ایالات متحده داشت.

اکثریت بخش چشم‌گیری از هم خود را مصروف اثبات این نکته نموده است که گویا خانواده ملک‌زاده از تاریخی در سال ۱۹۷۶ تصمیم به ترک ایران گرفته بود. اوضاع و احوال پرونده به خوبی نشان می‌دهد که آقای ملک‌زاده، منحصرًا به علت وضعیت انقلابی اواخر سال ۱۹۷۸ ایران خانواده‌اش را به ایالات متحده فرستاد و خود به امید بهبود اوضاع و مراجعت آنان به ایران تا مدتها بعد از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، در ایران ماند. پرونده به خوبی نشان می‌دهد و از رای اکثریت نیز چنین بر می‌آید (بندهای ۱۴-۱۵ حکم)، که خانم ملک‌زاده و فرزندان که برای دو ماه استفاده از تعطیلات تابستانی در ششم ژوئیه ۱۹۷۸ به ایالات متحده سفر کرده بودند برنامه خود را طوری تنظیم نمودند که برای ثبت نام فرزندان در مدارس ایرانی قبل از بازگشایی مدارس در هفتم سپتامبر همان سال در ایران باشند. با آغاز کار مدارس، سونیا و علیرضا در مدرسه‌ای در تهران ثبت نام کردند و تا قبل از خروج مجدد در دسامبر ۱۹۷۸ مثل هر دانش‌آموز ایرانی دیگر در ایران به تحصیل اشتغال ورزیدند. به اعتقاد اینجانب

اکثریت نتوانسته است بین واقعیات مزبور و این نکته به ظاهر کوچک اما بسیار مهم، که آقای ملکزاده تا تابستان ۱۹۷۹ بر سرکار و زندگی خود در ایران مانده، از یک سوء و همصدا شدن با محمل تراشی‌های خواهان که گویا خانواده ملکزاده از سال ۱۹۷۶ قصد ترک ایران را نموده ولی این کشور را، نه در ۱۹۷۶، بلکه در گرماگرم انقلاب در دسامبر ۱۹۷۸ ترک کرده، از سوی دیگر، یک ارتباط منطقی و موجه برقرار سازد.

علاوه بر آنچه که آمده، اکثریت متاسفانه در این پرونده نیز بر این واقعیت که مرکز منافع و علایق چشم‌گیر و هنگفت مالی خانواده از جمله رئیس خانواده (آقای ملکزاده) و علایق ادعایی مالی و اقتصادی خانم ملکزاده و فرزندان (به شرح مذکور در بند ۱ حکم) در ایران بوده است اعتنای چندانی نکرده و در واقع برخلاف اصول مسلم حقوقی و بر خلاف لسان صریح رای هیئت عمومی در پرونده الف ۱۸ (مذکور در فوق)، نقش این عوامل در تعیین تابعیت غالب و موثر خواهان را نادیده گرفته حال آنکه دیوان در آراء متعددی به آن توجه خاص نموده و در تعدادی از آنها

معیارهای مذکور عامل اساسی رد ادعای تابعیت غالب آمریکایی خواهانها بوده است (از جمله رجوع شود به بندهای ۱۹ و ۲۴ حکم شماره ۲-۲۳۷-۲۰۴ در پرونده لیلی دانش ارفع محمود و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 9 Iran-U.S. C.T.R 350,354 and 355 بند ۱۶ حکم شماره ۳-۸۳۱-۴۲۷ در پرونده آنتیا پری روحانی و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 22 Iran-U.S. C.T.R. 194, 198 بند ۲۴ حکم شماره ۳-۳۰۹-۴۸۹ در پرونده عباس غفاری و شرکت ملی نفت ایران و دیگران، چاپ شده در 25 Iran-U.S. C.T.R. 178, 184 بند ۱۶ حکم شماره ۲ - ۳۵۰ - ۵۰۴ در پرونده آراکل خواجه طوریانس و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 26 Iran-U.S. C.T.R. 37, 41 و بند ۳۴ حکم شماره ۲ - ۴۶۵ - ۴۶۴ - ۴۶۲ - ۴۶۱ - ۵۰۵



پرونده اردوان بیتر سمراد  
و دیگران و دولت جمهوری  
اسلامی ایران، جاب شده در

.(26 Iran-U.S. C.T.R. 44, 55